

کاتبان این زمانه
و پند ابن شاذانابراهیم عمران
روزنامه‌نگار

«تسو کاتبی؛ قلمی تو را بس باشد...» این گفته ابن‌شاذان عمید بلخ است به خواجه نظام‌الملک که هفت قرن پیش به منشی و دبیر خود گفته بود. آری صاحب قلم، جز قلم چه سرمایه‌ای دارد که آن را به رخ بکشد؟ و آیا اصولاً جایگاه خبرنگار و روزنامه‌نگار در جامعه فعلی‌مان، به سامان است که روزی هم برایشان نامگذاری شود؟! آن هم روزی که خون ریخته‌شده همکاری سبب‌ساز آن شد. آن‌گاه که زنده‌یاد «محمود صامی» به دست طالبان خونش ریخته شد؛ یاد و نام خبرنگار نیز طی این سال‌ها گرامی، طیفی که به اذعان مخالف و موافق‌شان، همواره در آرزوهای گوناگون دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دارای شغلی هستند که در بسیاری از گداه‌های روزانه؛ نمی‌توانند نامی از آن برند! چه آنکه در جواب می‌شوند مگر با نوشتن و بالمآل میکروفون به دست گرفتن، امورات می‌گذرد؟! «تسو کاتبی؛ قلمی تو را بس باشد...» این گفته ابن‌شاذان عمید بلخ است به خواجه نظام‌الملک که هفت قرن پیش به منشی و دبیر خود گفته بود. آری صاحب قلم، جز قلم چه سرمایه‌ای دارد که آن را به رخ بکشد؟ و آیا اصولاً جایگاه خبرنگار و روزنامه‌نگار در جامعه فعلی‌مان، به سامان است که روزی هم برایشان نامگذاری شود؟! آن هم روزی که خون ریخته‌شده همکاری سبب‌ساز آن شد. آن‌گاه که زنده‌یاد «محمود صامی» به دست طالبان خونش ریخته شد؛ یاد و نام خبرنگار نیز طی این سال‌ها گرامی، طیفی که به اذعان مخالف و موافق‌شان، همواره در آرزوهای گوناگون دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دارای شغلی هستند که در بسیاری از گداه‌های روزانه؛ نمی‌توانند نامی از آن برند! چه آنکه در جواب می‌شوند مگر با نوشتن و بالمآل میکروفون به دست گرفتن، امورات می‌گذرد؟! نیک می‌دانیم بسیاری از ما از اینکه بگوییم روزنامه‌نگاریم؛ ابا داریم، نه از آن جهت که هراس‌مان از واکنش طرف مقابل باشد؛ نه، دلهره‌مان آن است که در واقع طرف روبه‌روی ما؛ اصولاً آگاه شاید نباشد که روزنامه‌نگاری چیست! آن هم حرفه‌ای که در ینگه دنیا جزء ۱۰ شغل پولساز دنیاست. و زندگی روال و آرامی با درآمد آن میسور می‌شود. آنگاه در جغرافیای دیگر این شغل به تنهایی قادر به برآوردن نیازها نیست. کارکردن در چند جریده و نشریه همسو و غیرهمسو هم کفاف امور را نمی‌دهد! کارت‌های هدیه گهگاهی هم خرج رفت‌وآمد چند روزه می‌شود! می‌ماند هدیه اینترنت رایگان و باقی داستان که از کفر ابلیس و زهد اسفندیار هم مشهورتر است!

بهرآسانی با یک آمار سرانگشتی از دور و بر؛ می‌توان دریافت که چه اندازه روزنامه‌نگاران در سپهر اجتماعی و سیاسی‌مان دخیل یا تأثیرگذار هستند. بگذریم از آنانی که بابت گزارش و یادداشتی؛ آزار می‌بینند و چند صباحی سرخط خبرها می‌شوند. جمعیت زیادی از خبرنگاران و روزنامه‌نویسان؛ در این دنیای پر از تحلیل و خبر؛ ناشناخته هستند. و لامحاله کسی هم آنان را نمی‌شناسد! شناختن نه از آن جهت که فخری بفروشند به جامعه؛ از آن رو که قدرت جهت‌دهی‌شان شناخته شود در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز. هر چند گهگاهی رگه‌هایی از این شناخت در جامعه بیرون می‌زند. و روزنامه‌نگارانی در موسم انتخابات به‌واسطه شبکه‌های مجازی فعلی؛ برای کاربران عادی شناخته می‌شوند. و نمونه قابل لمس و درک آن در همین انتخابات اخیر مشاهده شد که؛ برخی نامداران این عرصه در هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگر؛ ماوایی برای همدلان خویش می‌بودند. ولی در ایام عادی زندگی؛ اصولاً اینکه فردی ایرانی نام چند روزنامه و چند روزنامه‌نگار را بداند؛ از غیرممکن‌ترین احتمالات موجود است! آن هم در جامعه‌ای که در سینما و تلویزیون، نام روزنامه و خبرنگار واقعی برده نمی‌شود!

حالا نام خبرنگار بماند که انتظاری است بی‌پهلو؛ وقتی که کیهان در فیلم و سریال‌ها گیتی می‌شود و شرق هم غرب! چه انتظار که مثلاً فیلمی بسان the post ساخته شود در ارزش‌مداری روزنامه‌نگاران! آری گویا باید برگردیم به همان پند ابن‌شاذان و کمی هم یادی از نسیم شمال و ماندن قلم در قلمدان... بهر حال ما مانده‌ایم و باید بنویسیم که جز نوشتن کاری بر نمی‌آید و برای این کردار هم لاجرم نباید روز و شب بنام‌مان باشد. همین که در گوشه و کنار این سرزمین روزنامه‌ها خوانده شود و گاهی هم از نقطه‌ای از این جغرافیای پنهان، مخاطبی به پاس نوشته‌ها، دلجویی از قلم‌مان کند؛ ما را بس که کاتب بودن هم جز این نیست؛ بی‌چشمداشت و انتظار از فرد و نهادهی. امید که روزنامه و روزنامه‌نگار و خبرنگار قدر ببینند از هر دسته و گروهی که هستند. که اگر ناشناخته هم مانند باک‌شان نیست؛ مهم نوشتن از مردمی است که آنان را خوب می‌شناسند...

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمدزیدآبادی
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• سردبیر: محمدجوادروح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۸۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



هدیه به خود

صدور مجوز رسانه برای اعضای دولت سیزدهم در روزهای پایانی مایه تعجب همگان شد

نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

باشند که اشخاص مذکور، به‌واسطه پیشینه و عملکردشان، قاعدتاً نباید با مشکلی مواجه باشند و اساساً از انتظار برای دریافت پاسخ استعلام‌های مذکور چشم‌پوشی کرده باشند. این نیز فرضی محتمل است. در نهایت چه در زمینه تسریع روند دریافت پاسخ استعلام‌های مورد نیاز، تسهیلی صورت گرفته باشد، چه نیازی به پاسخ این استعلام‌های احساس نشده و از آن چشم‌پوشی شده باشد، موضوع بحث مانیست.

▼ ویرتین‌هایی متعدد با چیدمانی یکسان

نکنه دیگر احتمال تکرار رفتاری است که در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری از نامزدان پوششی شاهد بودیم. ضحیفی با تکیه بر این که «پاسخ دادن به این سوال که آیا اشخاص مذکور روند مورد اشاره را طی کرده‌اند یا خیر، موضوع بحث مانیست» ادامه می‌دهد: «آن چه از وضعیت به‌وجود آمده استشمام می‌شود اما مسئله‌ای دیگر است. این که این افراد ممکن است بخواهند همان رویکردی را در پیش بگیرند که در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری پیش گرفته بودند؛ حضوری پوششی اما در قالب چندین نفر با یک گرایش و یک سلیقه از طریق ویرتین‌های متعدد با چیدمان‌های مختلف عرضه می‌شوند. این شگردها نامش هر چه باشد، تکنگرایی در میان اندیشه‌های سیاسی متنوع نیست. طبیعتاً هنگامی که چند نفر از یک جریان ایدئولوژیک خاص، حزب معین و جناح شناخته شده، متقاضی اخذ مجوز رسانه می‌شوند تنها می‌توان گفت دکوراسیون ویرتین‌ها با یکدیگر متفاوت است. در حالی که خط فکری، نگاه‌شان به مسائل گوناگون و محصول فرهنگی که عرضه می‌کنند یکی است و احتمالاً هدفشان جمع‌آوری عده و غده و توسعه تشکیلات‌شان و نگه داشتن نیروهایشان در صحنه است. در واقع می‌توان اینگونه هم فرض کرد که عده‌ای زیر پوشش کاری که علی‌الظاهر فرهنگی و رسانه‌ای به‌نظر می‌آید، بخواهند پوششی برای پیشبرد اهداف دولت‌سایه تدارک ببینند. از این گمانه‌زنی‌ها که عبور کنیم نکته دیگری وجود دارد و آن پدیده‌ای است که فعالان بازار رسانه (چاپی و الکترونیک) به خوبی از آن آگاهند این که داشتن مجوز انتشار یک رسانه و زور و کرم یک نام جذاب صرف‌نظر از این که منتشر بشود یا نشود، به خودی خود سرمایه محسوب می‌شود. در واقع این مجوزهای کاغذی، در بازار، برگ زر است که می‌تواند در آینده حتی دادوستد شود. با تکیه بر این که نمی‌خواهم هیچ شخصی را متهم به این کار کنم صرفاً تکیه می‌کنم که چنین امری نیز محتمل است.»

او در جمع‌بندی صحبت‌های خود می‌گوید: «طبیعتاً می‌دانید که باتوجه به شرایط اقتصادی موجود و فشار حاصل آن، حتی رسانه‌هایی که سالیان سال است مشغول به کارند و در این حوزه تبدیل به برند شده‌اند، دخل‌وخرج‌شان با یکدیگر نمی‌خواند. در نتیجه تصور می‌کنم این دوستانه که ناگهان و به‌طور همزمان چند مجوز روزنامه گرفته‌اند دچار شتاب و عجله‌ای شده‌اند و با خود گفته‌اند، بهتر است در روزهای پایانی دولت سیزدهم، مجوزی را اخذ کنند که اگر زمانی قصد ورود به عرصه فعالیت رسانه‌ای را داشتند، نیازی به مراجعه به دولتمردان دولت چهاردهم نداشته‌باشند.»

در پایان چه در زمینه روند دریافت پاسخ استعلام‌های مورد نیاز صدور مجوز رسانه‌های مذکور تسهیلی صورت گرفته باشد و چه هیئت نظارت بر مطبوعات نیازی به پاسخ این استعلام‌ها احساس نکرده و از آن چشم‌پوشی کرده باشد، به‌عبارت‌دیگر حتی اگر روند صدور پروانه برای رسانه‌های مذکور را قانونی تلقی کنیم و شائبه‌ای بر آن وارد ندانیم از جمله سوالاتی که بی‌جواب می‌ماند هدفی است که از صدور مجوزهای دقیقه‌نودی برای رسانه‌هایی همسو، پوششی‌هایی با حضور افراد گوناگون و تفکر یکسان، دنبال می‌شود؟ جز این، سوال بنیادی‌تر این که گفتمان افراد مذکور در فضای رسانه‌ای امروز چقدر می‌تواند مورد پذیرش قرار بگیرد؟ آیا این اشخاص که عمدتاً سابقه کار رسانه‌ای ندارند و از ابعاد آن بی‌اطلاع هستند می‌توانند مدیریت یک رسانه موفق در راستای اندیشه خود را بر عهده بگیرند یا تنها می‌خواهند یک امکان در میان دیگر امکان‌هایشان در آرشو خود داشته باشند؟

رویداد روز

نایب قهرمانی با طعم جهانی شدن

رقابت‌های قهرمانی زیر ۱۸ سال پسر آسیا ۲۰۲۴ که از هفتم مردادماه در منامه پایتخت بحرین آغاز شده بود، یکشنبه چهاردهم مردادماه با برگزاری هشت دیدار دیگر به پایان رسید. تیم والیبال نوجوانان ایران در دیدار نهایی این رقابت‌ها برای دومین بار در این مسابقات به مصاف چین رفت و سه بر دو مغلوب شد تا به‌رتبه‌دومی مسابقات و مدال نقره اکتفا کند. این مدال نقره زمانی با ارزش می‌شود که بدانیم شاگردان عادل غلامی که با راه‌یابی به مرحله نیمه‌نهایی موفق به کسب سهمیه جهانی سال آینده شدند و به‌مهمترین و اولین هدف فدراسیون والیبال ایران در این رده سنی دست یافتند، در دیدار با ژاپن در مرحله نیمه‌نهایی کاری دشوار را ممکن ساختند و مانع از راه‌یابی قهرمان سه‌دوره پیشین آسیا به فینال این دوره از مسابقات شدند و طلسم قهرمانی ژاپن در این رقابت‌ها را شکستند. آخرین برد تیم ایران در این رده سنی برابر ژاپن در رقابت‌های قهرمانی آسیا به سال ۲۰۱۴ برمی‌گشت.



کتابخانه

مجموعه جستارهایی در باب فیلم

دیوید بردول، نظریه‌پرداز فیلم و تاریخ‌نگار آمریکایی بود که در سال ۱۹۴۷ زاده شد و در سال ۲۰۲۴ درگذشت. بردول، استاد بازنشسته‌ی فیلم از دانشگاه واشنگتن-مدیسون، از نظریه‌پردازان نوفرمالیسم در سینما و از بنیان‌گذاران پسا نظریه و خالق آثار ماندگاری در حوزه‌ی سینما از جمله کتاب‌های «هنر سینما» و «تاریخ سینما» بود. کتاب «بوطیقای سینما»ی بردول یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های مطالعات سینمایی را تحلیل می‌کند: فیلم‌ها در هر بستر تاریخی خاصی برای دستیابی به نتایجی مشخص چطور ساخته می‌شوند؟ این کتاب مجموعه‌ای از مقالات و جستارهای سینمایی که تاریخ سینما را بررسی می‌کنند و حوزه‌های پژوهشی‌ای را با تمرکز بر یک یا چند فیلم برجسته می‌سازند، یک‌جا جمع کرده است. این کتاب نشان می‌دهد که چطور فیلم‌ها به مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی جهت می‌دهند و آن‌ها را از نوسازمان دهی می‌کنند. کتاب «بوطیقای سینما»، نوشته‌ی دیوید بردول، با ترجمه‌ی علی ظفر قهرمانی نژاد در ۷۴۵ صفحه با قیمت ۶۷۰ هزار تومان توسط انتشارات بیدگل منتشر شده است.



بوطیقای سینما

نویسنده:

دیوید بردول

مترجم:

علی ظفر

قهرمانی نژاد

انتشارات: بیدگل

تاریخ

برکناری هویدا

امیرعباس هویدا، ۱۶ مردادماه ۱۳۵۶، پس از ۱۲ سال و ۶ ماه تصدی پست نخست‌وزیری، از این منصب استعفا داد یا بهتر است گفته شود برکنار شد. پس از هویدا، جمشید آموزگار عهده‌دار مقام نخست‌وزیری شد. در کابینه جمشید آموزگار، هویدا به‌عنوان وزیر دربار منصوب شد. هویدا پس از ترور حسنعلی منصور، در بهمن‌ماه ۱۳۴۳ به نخست‌وزیری رسید و گمان می‌رفت دولت او، عمر کوتاهی داشته باشد، اما او در ماه‌های نخست صدارت توجه‌ها را به خود جلب کرد و بدین ترتیب فصلی نوین در حکومت پهلوی آغاز شد. علت برکناری هویدا علاوه بر اشاعه شایعه‌های گسترده درباره نارضایتی عمومی از دولت و وخامت اوضاع اقتصادی که موجب بروز خصومت میان دولت و تجار، فروشندگان و صاحبان صنایع شده بود، ناشی از بروز علائم بحران اقتصادی و حاصل ریخت‌وپاش‌های گذشته و برنامه‌ریزی غلط بود. برکناری هویدا و انتصاب آموزگار به‌جای او، یکی از کوشش‌های شاه برای گسترش فضای باز سیاسی از طریق وارد کردن اعضای جدید به کابینه و جلب رضایت روشنفکران ایرانی نیز بود.

